

نویسنده : کریگ ویتلوك (Craig Whitlock)

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2019-12-09»

برگردان : پوهند وی دوکتور سیدحسام «مل»

اسناد محرمانه ثابت می کند: مقامات آمریکایی در مورد جنگ افغانستان دروغ گفته اند

**Confidential documents prove: U.S. officials lied about the war in
Afghanistan**

برای نزدیک به دو دهه جنگ در افغانستان ، رهبران ایالات متحده دائماً سروصدا براه انداخته اند که ما در این جنگ در حال پیشرفت هستیم ضبط و ثبت یک مصاحبه دولتی توسط واشنگتن پست بدست آمده که در آن پس از یک نبرد قانونی سه ساله رویداد های را که نشان میدهد آن رویداد ها را واشنگتن پست قسم دیگری وانمود میکند (واشنگتن پست / واشنگتن پست).

انفارمیشن کلیرنگ هوز (2019-12-09) : واشنگتن : یک تحفه یا یک بسته ای

سرپوشیده و محرمانه ؛ اسناد و مدارک دولتی بدست آمده توسط واشنگتن پست فاش میشود یا که واشنگتن پست این مدارک را فاش میکند و آن اینکه مقامات ارشد آمریکایی نتوانستند حقیقتی را راجع به جنگ در افغانستان در طول (18) سال فعالیت شان درست تبلیغ کنند یعنی که حقایق و یا اظهارات گلگونی را که آنها میدانستند که نادرست بود؛ بشکل مخفیانه شواهد غیر قابل دفاع از جنگ را نشان میدادند و یا که شواهد غلط را اشاعه میکردند؛ غیر قابل توصیف شدن این اسناد توسط یک پروژه فدرال امریکا چنین بررسی میشود و آن اینکه این طولانی ترین درگیری مسلحانه در تاریخ طولانی ایالات متحده یک شکست سیاسی است ، این بررسی که توسط این اداره صورت میگیرد شامل بیش از (2000) صفحه از یادداشت های مصاحبه ها قبلاً منتشر نشده از افرادی که نقش مستقیمی در این جنگ داشته اند میباشند. از جمله جنرال ها و دیپلمات ها تا کمک کننده ها به کارگران و مقامات افغانستان .

دولت ایالات متحده سعی در نگهداری و محافظت از هویت اکثریت قریب به اتفاق کسانی را که برای این پروژه به آنها مصاحبه صورت گرفته است تقریباً تمام اظهارات آنها را کتمان کرده و اما این اسناد پس از یک نبرد سه ساله قانونی آزادی اطلاعات این موقیعت را درمی یابد که منتشر شود .

در مصاحبه های که با بیش از (400) کارمند داخلی صورت گرفته این کارمندان در مصاحبه های خود با استفاده بی حد و حصر از آنچه که در افغانستان رخ داده است و هم در مورد چگونگی دخالت و یا آمیختگی ایالات متحده امریکا در تقریباً دو دهه جنگ لب به انتقاد کشوده اند .



کندی یا سستی که به ندرت در ملاء عام بیان میشود ؛ خالی از شکایات و ناامیدی ها بوده و اعترافات با حدس زنی ها ثانوی توأم با عقب نشینی مطرح شده و یا که مطرح میکنند یا به عبارت ساده تر محتویات مصاحبه ها را در ملاء عام خالی از شکایات و ناامیدها ها توأم با حدس زنی های دومی مطرح میکنند .

دوگلاس لوت (Douglas Lute) جنرال سه ستاره ای ارتش ایالات متحده که در دوران زمامداری « **بوش** » و « **اوباما** » بعنوان تزار (امپراتور روسیه) یاد میشود و

در کاخ سفید خدمت میکرد گفت: « ما از درک اساسی موضوعات در مورد افغانستان مبراو عاری بودیم . وی در سال (2015) فرمود: ما در اینجا چه کاری انجام میدهم؟ ما عجب ترین تصویری را که انجام میدادیم نداشتیم؟ » .

اگر مردم آمریکا از علت ویا از موارد از کشته شدن به تعداد (2400) سرباز امریکایی از وقت واقف میشوند ویا دلایل آنرا میدانستند بنا به گفته ای **لوت (Lute)** آنوقت بود که بار ملامتی را بر گردن بیروکرات های درکانگرس ؛ پنتاگون و وزارت امور خارجه می گذاشتند و آنوقت بود که چه کسی خواهد میگفت که این بیهوده بود .

از سال « 2001»، بیش از (775 000)، سرباز امریکایی بارها و بارها به افغانستان اعزام شده اند. بر اساس آمار وزارت دفاع ، از این تعداد سرباز، (2300) نفر از آنها در آنجا درگذشت و (20.589) نفر سرباز دیگر در حین جنگ ویا در عملیات زخمی شدند.

مصاحبه ها ، از طریق طیف گسترده ای از صداها ، شکست های اصلی جنگ را که تا به امروز پایدار ویا ثابت است، بشکل گذاری و موقتی تسکین میبخشد ویا بخاطر آرامش خاطر واقعیت ها کتمان میشود . آنها تأکید می کنند که چگونه سه رئیس جمهور **جورج دبلیو بوش ، باراک اوباما و دونالد ترامپ** - و فرماندهان نظامی آنها نتوانسته اند وعده های خود را برای پیروزی در افغانستان تحقق بخشند.

مقامات آمریکا با بیان بیشتر این فرض که اظهارات آنها علنی نخواهد شد ، اذعان کردند که استراتژی های جنگی آنها با بی عیب و نقصی همراه بوده و واشنگتن مبلغ هنگفتی از پول را برای تلاش مجدد برای بازگرداندن افغانستان به یک کشور مدرن هدیه داده است.

این مصاحبه ها همچنین حاکی از تلاشهای دولت آمریکا برای محدود کردن فسادهای فرار سربازان از اردوی افغانستان ، و ایجاد یک ارتش و پلیس شایسته و ورزیده افغانستان و ایجاد تجارت در ترکیب در افغانستان است.

دولت آمریکا حساب رسی کلی از میزان هزینه خود برای جنگ در افغانستان را انجام نداده است، اما هزینه ها شگفت آور است یا اینکه آمریکا میزان مصارفات خود را که در این جنگ مصرف کرده است نشان نمیدهد از اینکه مصرف هنگفتی بوده است.

از سال (2001)، بر اساس برآورد تنظیم تورم، توسط وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده بین (934) میلیارد دلار تا (978) میلیارد دلار هزینه که به جنگ اختصاص داده شده است، پولی است که توسط **نتا کرافورد**، استاد علوم سیاسی و همکار مدیر هزینه های پروژه جنگ در پوهنتون براون محاسبه شده است.

این آمار شامل پولی نیست که توسط آژانسهای دیگر مانند سیا (سی آی ای) و وزارت امور ایثارگران (جانبازان) هزینه می شود، که مسئولیت مراقبت صحی جانبازان زخمی را بر عهده دارد.

ما برای بدست آوردن این یک تریلیون دلار چه تلاش ویا تقلا کردیم؟ آیا تلاش ما بخاطر کسب این یک تریلیون دلار ارزشی داشت؟ "با توجه به اینکه ما چقدر برای افغانستان هزینه کرده ایم. ویا که چه مقدار پول تخصیص دادیم"

این اسناد همچنین متناقض با سخنان طولانی اظهارات عمومی روسای جمهور آمریکا، فرماندهان نظامی و دیپلمات ها است که آنها سال به سال به آمریکایی ها اطمینان می دادند که در افغانستان جنگ پیشرفت می کند و این جنگ ارزش جنگیدن را دارد.

تعداد از مصاحبه شونده ها ویا آنها یکی با ایشان مصاحبه صورت گرفته است صریحاً تشریح کرده اند؛ که دولت ایالات متحده پیوسته و متداوم بخاطر گمراه کردن ذهنیتهای عامه مردم تلاش کرده اند این مصاحبه کننده ها نیز گفتند که در ستادهای نظامی آمریکا در کابل و در کاخ سفید تحریف کردن آمار و ارقام یک کار عام و معمولی بوده و آن هم به منظور اینکه اگر دولتمردان آمریکا بتوانند طوری وانمود کنند که ایالات

متحدہ این جنگ را برده است ؛ حالانکہ اینطور نبوده است .
هر نقطه اما ر و ارقام یا داده ها را آنچنان تغییر داده اند تا در صورت ممکن بهترین
تصویری را بخود گیرد ، دگروال ارتش امریکا بنا م **باب کرولی** (Bob Crowley)
کہ در سالهای (2013) و (2014) بعنوان مشاور ارشد ضد شورش در فرماندهان
ارتش امریکا خدمت میکرد به مصاحبه کنندگان دولت گفت « نمونه های نظرسنجی ها
کاملاً غیر قابل اعتماد بوده اند اما روی هم رفته به تقویت آن دستکاری صورت گرفت
و آن اینطور کہ همه کارهای را کہ هرگونه انجام میدادیم درست گذارش داده میشد
وما خود به یک بستنی آیس کریم با خود لیس زده تبدیل شدیم » .

جان سوپکو ، رئیس آژانس فدرال کہ مصاحبه ها را انجام می داد ، به واشنگتن پُست اذعان
کرد کہ این اسناد نشان می دهد کہ به "مردم امریکا مرتباً دروغ گفته اند ." .
این مصاحبه ها محصول جانبی پروژه تحت رهبری **آژانس سوپکو** ، دفتر با زرس ویژه
بازسازی افغانستان است . آژانس معروف به (SIGAR) ، در سال « 2008 » توسط
کنگره امریکا برای بررسی زباله ها (ضایعات) و کلاهبرداری ها در منطقه جنگ ایجاد شد .
در سال « 2014 » ، در دستور کار **سوپکو** ، « SIGAR » از مأموریت معمول خود برای
انجام بازرسی ها فاصله گرفت و یک سرمایه گذاری جانبی را آغاز کرد . این پروژه (11)
میلیون دلاری با عنوان "درسهایی کہ آموخته شده" بود ، برای تعیین خطای سیاست در
افغانستان بود تا ایالات متحده دفعه بعد کہ به یک کشور حمله میکند ویا کہ تلاش
کند کہ در با زسازی یک پروژه خراب کاری نکند ، یا کہ اشتباهات را تکرار نکند .
کارمندان کہ از درس ها آموخته اند با بیش از (600) نفر با تجربه دست اول در جنگ
مصاحبه کردند . بیشتر آنها امریکایی بودند ، اما تحلیلگران « SIGAR » نیز برای مصاحبه
با متحدان « ناتو » به **لندن** ، **بروکسل** و **برلین** سفر کردند . علاوه بر این ، آنها با تعداد در
حدود با « 20 » مقامات افغانی نیز مصاحبه کردند و درباره برنامه های با زسازی و توسعه
گفتگو کردند .

سیگار با ترکیب بخشی از مصاحبه ها ، و همچنین سایر سوابق و آمارهای دولتی ، از سال
« 2016 » به بعد هفت گزارش درس آموخته را منتشر کرده است کہ مشکلات موجود در
افغانستان را برجسته می کند و تغییراتی را برای ثبات کشور توصیه می کند .

اما این گزارش ها که با نثر و یاد بیات مترکم بوروکراتیک نوشته شده و به سوپ الفبای (غیر قابل درک یا گیج کننده معمولاً حاوی اختصارات یا نمادهای زیاده **تفصیل توسط این قلم**) ابتکار دولت متمرکز شده اند، شدیدترین و صریح ترین انتقادات را از صاحبها همراه داشته است.

"مقدمه استراتژی تثبیت و برنامه های مورد استفاده برای دستیابی به آن متناسب با متن «context» افغانستان نبوده و موفقیت در تثبیت و تسوالی های افغانستان به ندرت طولانی تر از حضور فیزیکی سربازان ائتلاف و غیرنظامیان بوده است." مه «2018» .

این گزارش همچنین نام بیش از «90» درصد افرادی را که برای این پروژه مصاحبه شده اند حذف نکرد. در حالی که تعدادی از مقامات موافقت کردند که درباره پرونده «SIGAR» در مورد پرونده صحبت کنند ، این آژانس گفت که وعده ناشناس بودن برای همه افراد مصاحبه شده برای جلوگیری از مشاجره در مورد مسائل حساس سیاسی قول داده است.

طبق قانون آزادی اطلاعات ، واشنگتن پست در جستجوی سوابق مصاحبه آموخته شده از درس در آگوست «2016» شروع به کار کرد. «SIGAR» با استدلال که اسناد ممتاز است و این که مردم حق ندارند آنها را نیذیرفت ، امتناع کردند.

واشنگتن پست مجبور بود از «SIGAR» به نسبت دوبار از انتشار اجباری این اسناد در دادگاه فدرال شکایت کند -

این آژانس سرانجام بیش از (2000) صفحه یا دداشت و رونوشت منتشر نشده از «428» مصاحبه و همچنین چندین ضبط صدا را فاش کرد.

این اسناد (62) نفر را که با آنها مصاحبه شده بود شناسایی می کند ، اما (SIGAR) نام «366» نفر دیگر را سیاه کرده است. در خلاصه حقوقی ، این آژانس ادعا می کند که در صورت عمومی شدن نام آنها ، این افراد باید به عنوان آذیت دهنده ها و سرکش و یا سهل انگاران آگاهانی شناخته شوند که در صورت عمومی شدن ممکن است با تحقیر ، آزار و آذیت ، تلافی یا آسیب جسمی روبرو شوند.

با مراجعه به تاریخ ها و سایر اطلاعات مربوط به اسناد ، واشنگتن پست به طور مستقل « 33 » نفر دیگر را که با آنها مصاحبه شده بود ، از جمله چند سفیر سابق ، ژنرال ها و مقامات کاخ سفید شناسایی کرد .

واشنگتن پست از قاضی فدرال خواسته است که « SIGAR » را مجبور کند اسامی افرادی دیگری که با آنها مصاحبه شده است آنها را افشا کند ، و چنین استدلال کرد که مردم حق دارند بدانند که کدام مقامات از جنگ انتقاد کرده و ادعا می کنند که دولت ایالات متحده مردم آمریکا را گمراه کرده است . واشنگتن پست همچنین ادعا کرد که مقامات سوت زنی (کسی که دیگران را درگیر می اندازد) یا خبرچین نیستند زیرا آنها به عنوان بخشی از تحقیقات مصاحبه نشده اند .

تصمیم قاضی ایمی برمن جکسون (Amy Breman) از دادگاه منطقه ایالات متحده در واشنگتن از اواخر ماه سپتامبر تا کنون به تعویق افتاده است .

در حال حاضر دولت **ترامپ** در حال مذاکره با طالبان است و در نظر دارد که آیا برای خارج کردن (13000) سرباز آمریکایی که در افغانستان باقی مانده اند ، چه تصمیمی میگیرد اما واشنگتن پست بجای که در انتظار معلوم شدن تصمیم آخر دولت ترامپ باشد به نشر و چاپ اسناد میپردازد .

واشنگتن پست تلاش کرد تا برای اظهار نظر با هر کسی که قاعدتاً به تشخیص مصاحبه با « SIGAR » بود ، تماس بگیرد . پاسخ آنها در مقاله جداگانه تالیف شده است .

سویکو ، با زرس کل ، به روزنامه نگار واشنگتن پست گفت که وی انتقادات و تردیدهای موزیانه راجع به جنگ که مقامات در مصاحبه های درس آموخته شده گفته اند سرکوب نمی کنند ، وی گفت که دفتر وی سه سال در انتظار ماند و یا که طول کشید تا سوابق را منتشر کند زیرا او کارمندان کمی دارد و به دلیل اینکه سایر سازمان های فدرال مجبور بودند اسناد را بررسی کنند تا از افشای اسرار دولت جلوگیری شود .

وی گفت: "ما روی آن نشسته ایم." "ما به صراحت و شفافیت معتقد هستیم ، اما باید قانون را رعایت کنیم . من به هر با زرس کل فکر می کنم ، احتمالاً من بیشترین اطلاعات را داشته ام ."

ثبت وضبط مصاحبه خام ونارس و پیرایش نشده است ، و کارکنان آموخته یا (lessons learnde) سیگار ، آنها را به روایت یکپارچه نمی کشانند. اما آنها قضاوت های سختی را از طرف افرادی که سیاست ایالات متحده را در افغانستان شکل داده اند یا انجام داده اند ، پر کرده است.

جیمز دابینز ، دیپلمات ارشد سابق ایالات متحده که در زمان بوش و اوباما به عنوان فرستاده ویژه در افغانستان خدمت می کرد ، چنین میگوید " ما به کشورهای استبدادی حمله نمی کنیم تا آنها را دموکراتیک سازیم. ما به کشورهای خشونت آمیز حمله می کنیم تا آنها را به صلح دعوت کنیم ولی به وضوح در افغانستان شکست خوردیم."

برای تقویت مصاحبه های آموخته شده از درس های آموخته شده ، "واشنگتن پست" صدها صفحه یادداشت های قبلاً طبقه بندی شده درباره جنگ افغانستان را که توسط **دونالد رامسفلد** وزیر دفاع آمریکا بین سالهای (2001) تا (2006) به دست آمد ، بدست آورد.

یادداشتها یا دوبله " برف دانه های (snowflacker) " ساخته **رامسفلد** و کارمندانش که دستورالعملها یا اظهارات مختصری است که رئیس پنتاگون به آنها اغلب اوقات چندین بار در روز میگوید.

رامسفلد در سال « 2011 » به اصطلاح تعداد مشخصی از برف دانه های خود را به صورت عمومی منتشر کرد و آنها را در رابطه با خاطرات خود با عنوان " شناخته شده و ناشناخته " بصورت آنلاین ارسال کرد. تا جایکه بیشتر مجموعه های برف دانه های وی حدود (59000) صفحه تخمین زده می شوند.

در سال « 2017 » و در پاسخ به دادخواست قانون آزادی اطلاعات [FOIA] که توسط با یگانی « ارشیف » امنیت ملی ، یک انستیتوی تحقیقاتی غیرانتفاعی مستقر در پوهنتون جورج واشنگتن مستقر شده است ، وزارت دفاع شروع به بررسی و انتشار بقیه برف دانه های **رامسفلد** به صورت ریشه ای کرد. ثبت وضبط « با یگانی » آنها را با واشنگتن پست به اشتراک گذاشت.

همه ، مصاحبه های « SIGAR » و یادداشت های رامسفلد مربوط به افغانستان ، تا ریخ مخفی جنگ و ارزیابی غیرقابل ارزیابی از « 18 » سال درگیری را تشکیل می دهند . بسیاری از مشکلات ناشی از برف دانه ها که به سبک خشن و یا غیرمؤدبانه توسط رامسفلد

بیان شده اند ، بیش از یک دهه بعد است که توسط ارتش ایالات متحده ادامه داده میشود .
« **رامسفلد** در یاد داشتی به چند بین ژنرال و دستیاران ارشد نوشت: "من ممکن است بی تاب باشم. در واقع می دانم که من کمی بی تاب هستم." "ما هرگز نمی خواهیم ارتش آمریکا را از افغانستان خارج کنیم ، مگر آنکه مراقب باشیم ببینیم که اتفاقاتی رخ می دهد که ثبات لازم را برای ترک ما فراهم می کند."

کمک! او نوشت.

این یاد داشت یا تذکر در تاریخ « 17 » آوریل « 2002 » - شش ماه پس از شروع جنگ بود.

" تاریخ درگیری نظامی در افغانستان [یکی از موفقیت‌های اولیه ، به دنبال آن سالهای طغیان و شکست نهایی بود. ما قصد نداریم آن اشتباه را تکرار کنیم." - تذکره در بیابانیه ویا سخرانی رئیس جمهور **جورج دبلیو بوش** در موسسه نظامی واقع در ویرجینیا.

اوبا توضیحات صریح خود درباره چگونگی گیر آمدن ایالات متحده در جنگی دور دست ، و همچنین عزم دولت برای پنهان کردن اوضاع و حالات جنگ از مردم ، حافظه نهان مصاحبه های درس آموخته به طور گسترده که شبیه به روزنامه های پنتاگون بود ، تاریخ پنهانی جنگ ویتنام توسط وزارت دفاع است .

هنگامی که آنها «اسرار» جنگ ویتنام را در سال « 1971 » فاش کردند ، کاغذهای پنتاگون با آشکار ساختن مداخله دولت ، که مدت ها قبل مردم را در مورد چگونگی پذیرش حس ایجاد شده توسط ایالات متحده به ارتباط جنگ ویتنام گمراه می ساخت هویدا شد .

در حدود « 47 » جلد کتاب ، و مطالعه « 7000 » صفحه ای کاملاً مستند بر اساس اسناد دولت داخلی بنا و تدوین شده بوده که شامل - کابل های دیپلماتیک ، یادداشت های تصمیم گیری ، گزارش های اطلاعاتی. بود که **رابرت مک نارا** ، وزیر دفاع ، برای حفظ رازداری دستورالعملی را صادر کرد که نویسندگان را از مصاحبه با هر کسی ممنوع اعلام کرد.

پروژه یادگیری درس « SIGAR » با چنین محدودیتی روبرو نشده است. کارمندان مصاحبه ها را بین سالهای « 2014 » تا « 2018 » انجام دادند ، یعنی بیشتر با مقاماتی که در سال های بوش و اوبا ما خدمت می کردند.

حدود « 30 » پرونده از مصاحبه ها رونوشت حساب ها و یا گذارش های کلمه ای برای کلمه و بقیه خلاصه مکالمات تا بیپ شده اند: صفحات یاد داشت ها و نقل قول های افراد دارای نقاط مختلف اختلاف درگیری ، از مراکز ولایات گرفته تا بالاترین محافل قدرت قابل دید میباشند .

برخی از مصاحبه ها غیر قابل توضیح کوتاه است. پرونده مصاحبه با **جان آلن** ، ژنرال دریایی ارتش امریکا که از سال « 2011 » تا « 2013 » فرماندهی نیروهای ایالات متحده و « **ناتو** » در افغانستان را بر عهده داشت ، شامل پنج بند است .

در مقابل ، دیگر چهره های تأثیرگذار ، از جمله **رایان کراکر** ، سفیر پیشین ایالات متحده ، برای دو مصاحبه نشسته که « 95 » صفحه رونویسی داشته است .

بر خلاف مقالات پنتاگون ، هیچ یک از اسناد درس آموخته شده در ابتدا به عنوان یک راز دولت طبقه بندی نشده اند. با این وجود ، هنگامی که واشنگتن پست می خواست تا آنها را علنی کند ، سایر آژانسهای فدرال مداخله کردند و برخی از مطالب را پس از این واقعیت طبقه بندی کردند. یعنی که واقعیت ها را دستکاری کردند .

برای مثال وزارت امور خارجه ادعا کرد که انتشار بخشهایی از مصاحبه های خاص می تواند مذاکرات با طالبان را برای پایان جنگ به خطر اندازد. وزارت دفاع و اداره یا نهاد مواد مخدر همچنین برخی از گزیده های مصاحبه را طبقه بندی کرده اند .

مصاحبه های درس گرفته شده حاوی چند افشاگری در مورد عملیات نظامی است. اما در حال اجرا ، انتقادهایی است که روایت رسمی جنگ را ، از ابتدای روزهای آغازین آن تا آغاز دولت ترامپ. رد میکند

به عنوان مثال ، در ابتدا حمله ایالات متحده به افغانستان هدف مشخص و واضحی داشت که - تلافی کردن علیه القاعده و جلوگیری از تکرار حملات « 11 » سپتامبر « 2001 » بود .

با این حال مصاحبه ها نشان می دهد که با ادامه جنگ ، اهداف و مأموریت همچنان تغییر می کند و عدم ایمان « باور » به استراتژی ایالات متحده در پنتاگون ، کاخ سفید و وزارت امور خارجه ریشه می گیرد .

اختلافات اساسی هرگز حل نشد. برخی از مقامات امریکا می خواستند از جنگ استفاده کنند تا افغانستان را به دموکراسی تبدیل کند یعنی که دموکراسی را در افغانستان ترویج کنند .

دیگران می خواستند فرهنگ افغانستان را دگرگون کنند و حقوق زنان را بالا ببرند. هنوز دیگران می خواستند توازن قدرت منطقه ای را بین پاکستان، هند، ایران و روسیه تغییر شکل دهند.

یک مقام آمریکایی ناشناس ایالات متحده در مصاحبه با دولت در سال « 2015 » به مصاحبه کننده های دولتی گفت: "با استراتژی افغان پاکستان AfPak"، زیر درخت کریسمس یک هدیه وجود داشت." که تا زمان اتمام شما اولویت ها و آرزوهای زیادی داشتید. که اصلاً مثل هیچ استراتژی نبود."

مصاحبه های درس گرفته شده همچنین نشان می دهد که چگونه فرماندهان ارتش آمریکا تلاش کردند با چه کسی در حال جنگ باشند، چه رسد به این دلیل.

آیا القاعده دشمن بود یا طالبان؟ آیا پاکستان دوست یا دشمن بود؟ در مورد دولت اسلامی و آرزوی سرسخت جهانی های خارجی چه خواهیم گفت، چه رسد به جنگ سالاران در لیست حقوق سیا؟ طبق اسناد و مدارک، دولت آمریکا هرگز پاسخ نداد.

در نتیجه، در این زمینه، نیروهای آمریکایی غالباً نمی توانند از دشمن به او بگویند.

یک مشاور سابق نامعلوم یک تیم از نیروهای ویژه ارتش به مصاحبه کنندگان دولت در سال « 2017 » گفت: "آنها فکر می کردند که من می خواهم با آنها به نقشه بیایم تا به آنها نشان دهم که بچه های خوب و افراد بد در کجا زندگی می کنند." بفهمید که من آن اطلاعات را در دستم خود ندارم. در ابتدا آنها فقط سؤال می کردند: "اما آدم های بد در کجا هستند، در کجا هستند؟"

این نمای از پنتاگون واضح تر نبود.

رامسفلد در تاریخ « 8 » سپتامبر « 2003 » از برف دانه ها شکایت کرد: "من هیچ پیشی ندارم که افراد بد چقدر باشند." ما از هوش انسانی ناخوشایند هستیم.

روزهای ارائه چک خالی (سفید) به پایان رسیده است. . . باید روشن باشد که افغان ها باید مسئولیت امنیت خود را خود به عهده بگیرند و آمریکا هیچ علاقه ای به جنگ همچو یک جنگ

بی پایان در افغانستان ندارد. - رئیس جمهور با راک اوباما در سخنرانی در آکادمی نظامی ایالات متحده در وست پوینت نیویارک گفت.

به عنوان فرماندهان ارشد، **بوش**، **اوباما** و **ترامپ** همگی قول یک چیز را به مردم دادند. اما آنها از افتادن در دام "ملت سازی" در افغانستان جلوگیری می کنند.

در این امتیازویا در این راستا، روسای جمهور با بدبختی قابل ملاحظه شکست خوردند. ایالات متحده بیش از «133» میلیارد دلار برای ساخت افغانستان اختصاص دادند - این مبلغ از هزینه ای که برای تنظیم تورم، ویا برای احیای کل اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم. تحت برنامه ما رشال صرف شده است بیشتر است

مصاحبه های درس آموخته نشان می دهد که پروژه با شکوه ملت سازی از ابتدا پیموده شده بود. مقامات آمریکا سعی کردند - از ابتدا - یک دولت دموکراتیک در کابل ایجاد کنند که پس از خود در واشنگتن الگوسازی شود. این یک مفهوم خارجی برای افغان ها بود که به قبیله گرایی، پادشاهی، کمونیسم و قوانین اسلامی عادت داشتند.

سیاست ما این بود که در افغانستان یک دولت مرکزی نیرومند ایجاد کنیم که بی احتیاط باشد زیرا افغانستان سابقه یک دولت مرکزی قدرتمند را ندارد و نداشت"، یک مقام سابق ناشناس وزارت امور خارجه به مصاحبه کنندگان دولت در سال «2015» گفت: "مدت زمان ایجاد یک دولت مرکزی قوی حد اقل (100) سال است. ، که ما نداشتیم."

در همین حال، ایالات متحده با کمک های بسیار بیشتری از آنچه ممکن است که با دید جذب کند، کشور شکننده را آب گرفت.

در اوج نبردها، از سال «2009» تا «2012»، قانونگذاران آمریکا و فرماندهان نظامی معتقد بودند که پول یا تخصیص ها را هر چه بیشتر در اعمار مدارس، پل ها، کانال ها و سایر پروژه های عمرانی صرف کنند، امنیت سریع تر بهبود می یابد. کارگران امدادی به مصاحبه کنندگان دولت گفتند که این یک اشتباه ناعادلانه است، مانند پمپ کردن نفت سفید در یک آتش سوزی در حال مرگ فقط برای زنده نگه داشتن شعله.

یک مدیر اجرایی بدون نام با آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (USAID) حدس زد که

« 90 » درصد از هزینه آنها بیش از حد است: "ما عینیت را از دست دادیم پول ها را که دادیم و گفتیم که مصرف شود و آنها نیز بدون کدام دلیل آنرا مصرف کردند.

بسیاری از کارگران امداد رسانی کنگره را مقصر دانستند که عجله ای برای صرف هزینه بود یعنی که پول های تخصیص داده شده را به عجله مصرف کردند

یک پیمانکار ناشناس به مصاحبه کنندگان دولت گفت که بدون انتظار روزانه تا (3) میلیون دلار برای پروژه هایی در تنها یک ولسوالی در افغانستان تقریباً به اندازه هزینه ای که به یک ایالت آمریکایی اختصاص داد میشود بمصرف رسیده است. وی یک بار از یک نماینده کنگره بازدید کننده سؤال کرد که آیا قانندگان می توانند با مسئولیت پذیری آن نوع پول را به خانه برگردانند: "او گفت جانم نه. "خوب، آقا، این چیزی است که شما فقط ما را ملزم به خرج کردن کردید و من آن را برای جوامعی که در گل زندگی می کنند انجام می دهم. کلبه های بدون پنجره"

کمک های چندی و یا مبلغی چندی که واشنگتن برای افغانستان هزینه کرد، به سطح وبگونه تاریخی موجب ایجاد فساد شد.

در ملاء عام، مقامات آمریکا تأکید کردند که تحمل پیوند ندارند. اما در مصاحبه های درس آموخته شان، آنها اعتراف کردند که دولت ایالات متحده آمریکا در حالی که دلالت قدرت افغانستان؛ متحدین واشنگتن که غارت و سرقت می کنند، طوری به نظر میرسد که مصون از مجازات هستند.

کریستوفر کلندا، یک سرهنگ ارتش که چندین بار به افغانستان اعزام شد و به سه ژنرال آمریکا بی مسئول این جنگ مشاوره داد، گفت که دولت افغانستان به رهبری رئیس جمهور «حامد کرزای» تا سال «2006» «خود سازماندهی شده بود تا به یک خلط دموکراسی بپردازد» و مقامات آمریکایی شکست خوردند. یعنی به رسمیت شناختن تهدید مرگبار ناشی از استراتژی آنها.

کلندا به مصاحبه کنندگان دولت گفت: "من دوست دارم از قیاس سرطان استفاده کنم." "فساد خرده؛ مانند سرطان پوست است؛ راه هایی برای مقابله با آن وجود دارد و احتمالاً شما درست خواهید بود. تا فساد را از بین ببرید گرچه که فساد در وزارتخانه ها، بالاتر از سطح سرطان مانند سرطان روده بزرگ است؛ بدتر است، اما اگر به موقع جلو آنرا را بگیرید، شما هستید."

که احتمالاً خوب است تا جلو آن گرفته شود. با این وجود ، کلیوکراسی (دزدسالاری) مانند سرطان مغز فوق العاده ؛ کشنده است ."

مقامات آمریکا با مصاحبه کنندگان به آمریکا گفتند با اجازه دادن به فساد ، آنها به نابودی مشروعیت مردمی دولت پرتحرک افغانستان که برای پیشبرد جنگ تلاش می کردند ، کمک کردند. بسیاری از افغانها با قضات و روسا و روسای پلیس و رشوه دادن به رشوه خوران ، دموکراسی را ریختند یعنی به دموکراسی پشت کردند و برای اجرای دستور به طالبان روی آوردند .

کراکر که به عنوان برترین دیپلمات ایالات متحده در کابل در سال « 2002 » و دوباره از سال « 2011 » تا « 2012 » مجدداً مصاحبه کرده بود ، گفت: " بزرگترین پروژه منفرد ما ، که متأسفانه و ناخواسته ممکن است همانا توسعه فساد گسترده بود . " وی افزود: "وقتی به جایی رسیدم که دیدم ، وقتی در آنجا بودم ، جایی برای رفع مشکل غیرقابل باور و سخت و غیرممکن است ."

این ارتش و این نیروی پلیس (منظور از اردو افغانستان است) هر روز در نبرد با شورشیان بسیار ، بسیار مؤثر بوده اند . و من فکر می کنم این یک داستان مهم است که باید به تمام هیئت درمورد آن گفته شود . - این مطلب را **ژنرال مارک ا. میلی** ، سرهنگ دوم ارتش ضمن تقدیر از نیروهای امنیتی افغانستان در یک نشست مطبوعاتی در کابل ، گفت: که **میلی** اکنون ژنرال و رئیس چهار ستاره و رئیس ستاد مشترک است .

سال به سال ، ویا هر سال ژنرال های آمریکا در ملاء عام گفتند که آنها در حال پیشرفت در برنامه اصلی استراتژی خود هستند (یعنی که برنامه های استراتژیک آنها مبنی بر آموزش و تربینگ اردوی ملی افغانستان توام با موفقیت و پیشرفت است) : برای آموزش یک نیروی مستحکم ارتش افغانستان و پلیس ملی که می توانند بدون کمک خارجی از کشور خود دفاع کنند .

با این حال ، در مصاحبه های آموخته شده از درس های آموخته شده ، مربیان ارتش آمریکا نیروهای امنیتی افغانستان را نیروهای بیکار ، بی تحرک و متلاشی با بیابانگردان توصیف کردند. آنها همچنین فرماندهان افغانی را به پرداخت حقوق و دستمزد - که توسط مالیات دهندگان آمریکا بی پرداخت می شود - متهم کردند برای دهها هزار "سرباز ارواح یعنی این

جنرال ها گفتند که این فرماندهان و سربازان همچو بیکاره و ارواح از پول ما لیه دهندگان امریکا استفاده بعمل می آورند یعنی که معاش و دستمزد میگیرند.

هیچ کس ابراز اطمینان نکرد که ارتش و پلیس افغانستان هرگز می توانند طالبان را به تنهایی شکست دهند ، یا بسیار کمتر شکست دهند. قابل تذکر است که بیش از (60 000) ، عضو نیروهای امنیتی افغانستان در هنگام جنگ با مخالفین کشته شده اند ، و میزان تلفات آنها را فرماندهان ایالات متحده ناپایدار و یا غیر ثابت خوانده اند.

یک سرباز ناشناس ایالات متحده گفت: تیم های نیروهای ویژه از پلیس افغانستان که آنها آموزش دیده و با آنها کار می کردند از آنها "متنفر" شدند و آنها را "مهیّب - ته بشکه در کشور که در حال حاضر در انتهای بشکه (بیرل) هستند" ، نامید.

یک افسر ارتش آمریکا تخمین زد که يك سوم از افراد استخدام شده پلیس "معتاد به مواد مخدر یا طالبان" هستند. با این حال دیگری آنها را "سرقت کنندگان و احمقان" خواند تا جاییکه آنقدر مواد سوخت از پایگاه های ایالات متحده غارت کردند که بوی بنزین را برای همیشه بوجود آورده اند.

فکر می کنیم که می توانیم ارتش را سریع بسازیم که البته این خود یک آرزوی جنون آمیز بود " این مطلب را یک مقام ارشد ناشناس از « USAID » به مصاحبه کنندگان دولت گفت. در همین حال ، هنگامی که ایالات متحده امیدوار است که نیروهای امنیتی افغانستان نتوانند تحقق پیدا کنند یا که نتوانند بر سرپای خود بایستند ، همان شد که افغانستان به منبع اصلی یک بلای فزاینده جهان (تولید بی حد و حصر تریاک) تبدیل شد: .

ایالات متحده برای مقابله با این مشکل در طی « 18 » سال گذشته حدود « 9 » میلیارد دلار هزینه کرده است ، اما کشاورزان افغان بیش از هر زمان دیگری به کشت خشخاش بیشتر پرداخته اند یعنی که نتیجه معکوس شده است . سال گذشته ، بر اساس اعلام دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل ، تولید تریاک در افغانستان (82) درصد از تولید جهانی تریاک بود. در مصاحبه های درس آموخته شده ، مقامات پیشین گفتند تقریباً همه کارهایی را که انجام داده اند برای محدود کردن کشت تریاک است.

داگلاس لوت ، تزار جنگ افغانستان در کاخ سفید از سال « 2007 » تا « 2013 » گفت: "ما اظهار داشتیم که هدف ما ایجاد اقتصاد با زار رونق" است. " من فکر می کردم که باید تجارت شگوفایی مواد مخدر را مشخص کنیم. این تنها بخش است که با زار کار می کند.

از ابتدا ، واشنگتن هرگز نفهمید که چگونه جنگ با مواد مخدر را در جنگ علیه القاعده بکار برد . تا سال « 2006 » ، مقامات آمریکا از این نگران بودند که قاچاقچیان مواد مخدر از دولت افغانستان قوی تر شده اند و پول حاصل از تجارت مواد مخدر قدرت شورشیان را بیشتر فراهم می کند .

هیچ آژانس یا کشوری مسئول استراتژی مواد مخدر افغانستان برای کل جنگ نبوده است ، بنا براین وزارت امور خارجه ، اداره اجرای مواد مخدر نمایندگی وزارت دادگستری ایالات متحده امریکا (DEA) ، ارتش ایالات متحده ، متحدین ناتو و دولت افغانستان دائماً سرهای فرسوده خود را بلند می گرفتند .

یک مقام ارشد پیشین انگلیس به مصاحبه کنندگان دولت گفت: " این صبحانه سگ بود (پروگرام بد و نامناسب) و هیچ فرصتی برای کار نداشت."

مطابق مصاحبه ها ، آژانس ها و متحدین با در آغوش کشیدن برنامه های نا کارآمد برنامه ها ، اوضاع را بدتر کردند .

در ابتدا ، کشاورزان خشخاش افغانستان برای از بین بردن محصولات زراعی خود یعنی صرف نظر کردن از کشت خشخاش توسط انگلیسی ها پول دریافت میکردند - که فقط آنها را تشویق می کرد تا بیشتر فصل بعد رشد کنند . بعداً ، دولت آمریکا مزارع خشخاش را بدون جبران خسارت از بین برد - فقط کشاورزان را عصبانی کرد و آنها را ترغیب کرد تا با طالبان کنار بیایند .

یکی از مقامات آمریکا خطاب به مصاحبه کنندگان دولت گفت: " از اینکه بسیاری از افراد چنین احمقانه رفتار می کنند ، ناراحت بودند."

آیا ما این جنگ را از دست می دهیم؟ کاملاً به هیچ وجه . آیا دشمن می تواند برنده آن شود؟ مطلقاً به هیچ وجه . - سرلشکر ارتش ، **جفری شلوانر** ، فرمانده لشکر « 101 » هوایی ، در یک نشست خبری از افغانستان شبح ویا سایه ویتنام از همان ابتدا بر فراز افغانستان آویخته است در یازدهم اکتبر سال « 2001 » ، چند روز پس از آن که ایالات متحده بمباران بر طالبان را آغاز کرد ، یک خبرنگار از بوش پرسید: " آیا می توانید از ورود به یک با تلاق شبیه ویتنام در افغانستان جلوگیری کنید؟"

بوش با اطمینان پاسخ داد: "ما در سهای بسیار مهمی در ویتنام آموخته ایم." "مردم اغلب از من سؤال می کنند،" این جنگ چه مدت دوام خواهد داشت؟ " این جبهه نبرد تا زمانی که طول بکشد تا القاعده را به عدالت بکشاند دوام خواهد داشت. ممکن است فردا اتفاق بیفتد، ممکن است یک ماه از الان اتفاق بیفتد، ممکن است یک یا دو سال طول بکشد. اما ما پیروز خواهیم شد."

در آن روزهای اولیه، دیگر رهبران ایالات متحده این ایده را مسخره کردند که کابوس ویتنام ممکن است در افغانستان تکرار شود.

اکنون همه با هم در با تلاق هستیم - **"را مسفلد"** در یک کنفرانس خبری در (27 نوامبر 2001) با شوخی گفت:.

اما در طول جنگ افغانستان، اسناد نشان می دهد که مقامات ارتش آمریکا به يك روش تاکتیک قدیمی از ویتنام متوسل شده اند - و افکار عمومی را دستکاری کرده اند.

در کنفرانس های خبری و سایر نمایش های عمومی، افراد که مسئول جنگ (18) ساله هستند همگی همان نقاط مشابیه ویکسان گفتگو را دنبال می کنند. مهم نیست که جنگ چگونه می گذرد - و به ویژه وقتی که بد پیش می رود - آنها تأکید می کنند که چگونه پیشرفت می کنند.

به عنوان مثال، برخی از برف دانه های که **رامسفلد** در خاطرات خود منتشر کرد، نشان می دهد که وی یک سری از هشدارهای غیرعادی از منطقه جنگ را در سال «2006» دریافت کرده است.

پس از بازگشت از مأموریت تحقیق و تفحص به افغانستان، **بری مک کافری**، یک ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا، گزارش داد که طالبان بازگردانی چشمگیر داشته و پیش بینی کرده است که "ما طی (24) ماه آینده با برخی شگفتی های بسیار ناخوشایند روبرو خواهیم شد."

مک کافری در ژوئن (2006) نوشت: "رهبری ملی افغانستان به طور جمعی وحشت زده شده است که افغانستان در چند سال آینده از نوک انگشتان ما بیرون خواهیم رفت - (نا تو)

کیف (بکس ویا خریطه) را نگه خواهد کرد - و همه چیز دوباره به ضرب و شتم فرو خواهد رفت ."

دو ماه بعد ، **مارین استرمکی** ، مشاور غیرنظامی **رامسفلد** ، به رئیس پنتاگون گزارشی طبقه بندی شده (40) صفحه ای خود را داد که حاوی خبرهای بدتری بود. و او گفت که " نارضا یی عظیم مردم علیه دولت افغانستان به دلیل فساد و بی کفایتی آن دولت در حال ایجاد است ". او همچنین گفت که به لطف پشتیبانی از پاکستان ، متحد ایالات متحده ، طالبان در حال افزایش است . یعنی لطف پاکستان متحد ایالات متحده در مورد طالبان روبه افزایش است . با وجود دو عاگویی شخصی **را مسفلد** ، پنتاگون هشدارهای تند و تیز را دفن کرد و داستانی کاملاً متفاوت را به مردم گفت .

در اکتبر 2006 ، سخنرانان **رامسفلد** مقاله ای با عنوان " افغانستان: پنج سال بعد " ارائه دادند . و با خوش بینی ، بیش از « 50 » اما ر و ارقام امیدوارکننده را برجسته کردند ، بخصوص از تعداد زنان افغان آموزش دیده در "بهبود مدیریت مرغداری" (بیش از 19000) تا "میانگین سرعت در اکثر جاده ها" (300 درصد افزایش).

در ادامه آمده است: "پنج سال به بعد ، تعداد زیادی خبر خوب وجود دارد." " اگرچه در بعضی از محافل رواج پیدا کرده است که افغانستان را جنگ فراموشی بنا میم ، یا بگوییم ایالات متحده کانون توجه خود را از دست داده است ، حقایق افسانه ها را باور دارند." **رامسفلد** فکر کرد که همه چیز درخشان است .

وی در یادداشت نوشت: "این مقاله ، یک قطعه عالی است . چگونه می توانیم از آن استفاده کنیم؟ آیا باید مقاله باشد؟ یک قطعه نمایش داده شده؟ یک مقاله؟ یک جلسه مطبوعاتی؟ همه موارد فوق؟ من فکر می کنم باید آن را به بسیاری از مردم برساند ."

کارمندان وی اطمینان حاصل کردند که این کار را انجام داده اند . آنها نسخه ای را در اختیار خبرنگاران قرار دادند و آن را در وبسایت های پنتاگون قرار دادند .

از آن زمان ، ژنرال های ایالات متحده تقریباً همیشه موعظه می کنند که جنگ پیشرفت می کند ، بدون توجه به واقعیت موجود در میدان جنگ .

ژنرال **جفری شلوتر** ، فرمانده لشکر (101) هوا برد ، در سپتامبر « 2008 » به خبرنگاران گفت ، " حتی ما و سایر فرماندهان آمریکایی در کابل فوراً خواستار تقویت برای مقابله با افزایش روز افزون مبارزان با طالبان بودند ."

دو سال بعد ، هنگامی که میزان تلفات در میان نیروهای آمریکایی و **نا تو** به اوج دیگری رسید ، ژنرال "**دیوید رودریگز**" سرهنگ ارتش یک کنفرانس خبری در کابل برگزار کرد .

اول ، ما به طور پیوسته در حال پیشرفت عا مدانه هستیم ."

در مارس (2011) ، در طول جلسات کنگره ، قانونگذاران شکاک ، **ژنرال دیوید اچ . پترائوس** ، فرمانده نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان را با شک و تردید مبنی بر عملی شدن استراتژی ایالات متحده شکنجه دادند . یا که او را سوال پیچ کردند .

پترائوس در پاسخ گفت : " هشت ماه گذشته پیشرفت مهمی اما دشوار را شاهد بوده ایم ."

یک سال بعد ، در طول سفر به افغانستان ، وزیر دفاع **لئون پانتا** به همان فیلم نامه دست پیدا کرد - حتی اگر او شخصاً یک حمله انتحاری را گول زده بود .

پانتا به خبرنگاران گفت : " این کار ، همانطور که قبلاً به آن اشاره کردم ، فکر می کنم پیشرفت قابل توجهی داشته است ."

در ژوئیه سال (2016) ، پس از افزایش حملات طالبان به شهرهای بزرگ ، ژنرال ارتش **جان دبلیو نیکولسون جونیور** ، فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان در آن زمان ، دوباره امتناع کرد .

وی به خبرنگاران گفت : " ما شاهد پیشرفت هستیم ."

- - -

"پیش می رویم ، کورکورانه مسیر را ادامه نخواهیم داد . در عوض ، معیارهای روشنی را برای سنجش پیشرفت و خودمان پاسخ خواهیم داد . " - **اوباما** ، در اظهارات کاخ سفید گفت :

در طول جنگ ویتنام ، فرماندهان ارتش آمریکا برای ترغیب آمریکایی ها به پیروزی ، به اقدامات مشکوک تکیه کردند .

از همه جالب تر ، پنتاگون " شما رش تعداد اجساد " یا تعداد مبارزان دشمن کشته شده را برجسته کرد و این ارقام را اندازه گیری بر موفقیت قرار داد

در افغانستان ، با استثنائات گاه و بیگاه ، ارتش ایالات متحده عموماً از انتشار تعداد اجساد جلوگیری می کند . اما مصاحبه های درس آموخته شده شامل تعداد زیادی از پذیرش است که دولت به طور معمول از آمارهای دفاعی می کند که مقامات می دانستند تحریف شده ، توهین آمیز یا نادرست است .

.....

شخصی که تنها به عنوان یک مقام ارشد شورای امنیت ملی شناخته شده است ، گفت فشارهای زیادی از طرف «**اوباما**» و کاخ سفید وجود دارد تا بتوانند ارقامی را نشان دهند که نشان دهد افزایش نیروها در سال (2009) تا (2011) علی رغم شواهد سخت برعکس ، کار می کند.

این مقام ارشد شورای امنیت ملی دولت در مصاحبه با دولت در سال (2016) گفت: "

ایجاد معیارهای خوب غیرممکن بود. ما سعی کردیم از تعداد سربازان آموزش دیده ، سطح خشونت ، کنترل قلمرو استفاده کنیم و هیچ یک از آنها تصویری دقیق رانقاشی نکرد. مدت زمان جنگ. "

یک مقام ارشد شورای امنیت ملی گفت ، حتی اگر تعداد تلفات و آمار و ارقام دیگر بد نباشد ، کاخ سفید و پنتاگون آنها را تا حد پوچ می چرخانند. بمب گذاری های انتحاری در کابل به عنوان نشانه ناامیدی طالبان به تصویر کشیده شد ، که شورشیان برای شرکت در جنگ مستقیم بسیار ضعیف بودند. در همین حال ، افزایش مرگ و میر سربازان آمریکایی به عنوان اثبات اینکه نیروهای آمریکایی جنگ را به سمت دشمن می کشید ، ذکر شد.

این مقام ارشد شورای امنیت ملی گفت: "این توضیحات آنها بود." "به عنوان مثال ، حملات بدتر می شوند؟" این به این دلیل است که اهداف بیشتری برای آتش زدن آنها وجود دارد ، بنا بر این حملات بیشتر نشا نگر دروغین بی ثباتی است. "سپس ، سه ماه بعد ، حملات هنوز هم بدتر می شوند؟" دلیل این است که طالبان ناامید می شوند ، بنا بر این این در واقع نشا نگر این است که ما برنده می شویم. "

این مقام ارشد شورای امنیت ملی گفت: "و این به دو دلیل ادامه یافت و به هر دلیلی ادامه داد:" اینک همه افراد درگیر خوب به نظر برسند و طوری به نظر برسند که نیروها و منابع به نوعی تأثیر می گذارند که حذف آنها باعث می شود کشور بدتر شود.

در سایر عرصه ها که گزارش های به زنجیره فرماندهان ارسال شده است ، افسران نظامی و دیپلمات ها همه همین خط را در پیش گرفتند. صرف نظر از شرایط موجود در زمین ، آنها ادعا می کردند که پیشرفت می کنند.

مایکل فلین ، ژنرال بازنشسته سه ستاره ارتش ، در مصاحبه اش با دولت در سال (2015) گفت: "از سفیران به سطح پایین ، [آنها همه می گویند] ما کار بزرگی انجام می دهیم." کار عالی چرا احساس می کند که ما ضرر می کنیم؟ "

به محض ورود به افغانستان ، به تیپ های ارتش آمریکا و فرماندهان گردان همان مأموریت اساسی داده شد: محافطت از جمعیت و شکست دشمن ، به گفته **فلین** ، که به عنوان مأمور اطلاعاتی چندین بار در افغانستان سفر کرده بود.

فلین ، که بعداً به عنوان مشاور امنیت ملی **ترامپ** خدمت کرد ، گفت: "بنا بر این همه آنها به هر روشی که باشند ، نه ماه یا شش ماه رفتند و به آنها مأموریت داده شد ، آن مأموریت را پذیرفتند و آن مأموریت را انجام دادند." رسوایی شد و به دروغ گفتن به **اف بی آی** محکوم شد. "سپس همه آنها گفتند ، هنگامی که آنها رفتند ، آن مأموریت را انجام دادند. هر فرمانده و یابیک فرمانده هم نمی خواهد افغانستان را ترک کند."

وی اضافه کرد: "بنا بر این پسر (guy) بعدی که حضور پیدا می کند ، که [منطقه] آنها پیچیده شده است... و سپس آنها برمی گردند و می روند ، "مرد (Guy) این واقعاً بد است."

باب کرولی ، سرهنگ بازنشسته ارتش که در سال (2013) و (2014) به عنوان مشاور ضد شورش در افغانستان خدمت می کرد ، به مصاحبه کنندگان دولت گفت که "حقیقت بندرت استقبال می شود" بخصوص در ستادهای نظامی در کابل.

وی گفت: "خبرهای بد اغلب خفه می شدند." "اگر آزادی کوچک باشد ، آزادی بیشتری برای به اشتراک گذاشتن خبرهای بد وجود داشت - ما با (MRAP) های خود [وسایل نقلیه زره پوش] بچه ها را اداره می کنیم - زیرا این چیزها می توانند با رهنمودهای سیاست تغییر کنند. ، ظرفیت یا فساد دولت افغانستان ، روشن بود که از آن استقبال نمی شود

جان گاروفانو ، یک استراتژیست دانشکده جنگ نیروی دریایی که در سال 2011 به تفنگداران دریایی در استان هلمند مشاوره می داد ، گفت: مقایسات نظامی در این زمینه مقدار ناکافی از منابع را برای ترساندن نمودارهای رنگی اختصاص داده اند که نتایج مثبت را نشان می دهد.

وی به مصاحبه کنندگان دولت گفت: "آنها یک ماشین واقعاً گران قیمت داشتند که می توانستند تعداد زیادی کاغذ بزرگ را مانند یک چاپخانه چاپ کنند." وی می گوید: "این یک نتیجه گیری وجود دارد که اینها در واقع چهره های علمی نیستند ، یا که یک روند علمی پشت این نیست."

اما گاروفانو گفت هیچ کس جرأت نکرد که این نمودارها و اعداد را معتبر یا معنادار کند یا خیر.

"مایل به پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل سؤالاتی نبودید ، معنی این تعداد از مدارس که شما ساخته اید چیست ؟ چگونه این امر شما را به سمت هدف خود سوق داده است؟" او گفت:

"چگونه این را اثبات موفقیت می دانید و نه تنها اثبات تلاش یا شواهد فقط انجام یک کار خوب؟"

.....

سایر مقامات ارشد گفتند که آنها به ویژه به یک آماری اهمیت زیادی می دهند ، هر چند که دولت ایالات متحده به ندرت دوست دارد در ملاء عام بحث کند.

جیمز دابینز ، دیپلمات پیشین آمریکایی ، در سال (2009) به هیئت سنا گفت: " من فکر می کنم که معیار اصلی همان پیشنهادی باشد که من کشته می شوم ، و این باعث می شود تعداد زیادی از مردم کشته شوند." اگر تعداد کاهش یابد ، شما برنده می شوید. به همین سادگی است. " به گفته سازمان ملل ، سال گذشته (3804) غیرنظامی افغان در این جنگ کشته شدند. این بیش از یک سال است که سازمان ملل متحد پیگیری تلفات را از یک دهه قبل آغاز کرده است.

----- **با تقدیم سلام ها «2019-12-26»**



در یازدهم اکتبر سال 2001 ، چند روز پس از آن که ایالات متحده بمباران طالبان را آغاز کرد ، یک خبرنگار از بوش پرسید: "آیا می توانید از ورود به یک کولاک شبیه ویتنام در افغانستان جلوگیری کنید؟"

بوش با اطمینان پاسخ داد: "ما درسهای بسیار مهمی در ویتنام آموخته ایم." "مردم اغلب از من سؤال می کنند ،" این چه مدت دوام خواهد داشت؟ " این جبهه نبرد تا زمانی که طول بکشد تا القاعده را به عدالت بکشاند دوام خواهد داشت. ممکن است فردا اتفاق بیفتد ، ممکن است یک ماه از الان اتفاق بیفتد ، ممکن است یک یا دو سال طول بکشد. اما ما پیروز خواهیم شد."

در آن روزهای اولیه ، دیگر رهبران ایالات متحده این ایده را مسخره کردند که کابوس ویتنام
ممکن است در افغانستان تکرار شود



.....

